

**Genealogía del delito de terrorismo y estudio de factibilidad de la jurisdicción de la Corte Penal Internacional (enfoque sociológico político-jurídico)**

**Abstract**

Today, the spread of terrorism and how it is carried out is done with the direct support of individuals and legal entities (such as governments) before, during and after military conflicts and directly and indirectly, and even using advanced technologies such as robots, drones or cyberspace. . This diversity and breadth of terror has led to a lack of jurisdiction at the international level; Because in compound crimes (crimes that begin and end in several countries) and extraterritorial; National courts will have jurisdiction in the event of access to or extradition of offenders, and the Statute of the International Criminal Court, as an international judicial authority, is not competent to commit terrorism (under Article 5 of the Statute), but this is international custom. The Statute of the International Courts of Rwanda (Article 2 of the ICTR Statute refers to premeditated murder and 4) and Yugoslavia (Article 2 of the ICTY Statute refers to premeditated murder and Article 5 refers to premeditated murder) and the Court of Appeal The Lebanese International (to investigate the assassination of Saad Hariri) was also formed for this purpose to reduce this power vacuum. But it seems that international norms and existing rules (including the customary draft of the international responsibility of governments in 2001) and the criminalizations in the ICC Statute, including crimes against humanity and war crimes, can be tried. The perpetrators of the assassination paid.

**Keywords:** Jurisdiction, International Criminal Court, Terror and Terrorism, Correction and Review.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.300301.2158>

تبار شناسی جرم ترور و امکان سنجی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به آن (رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی - حقوقی)

روژان ایرانپور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

فرشید جعفری پابندی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۶

پیمان بلوری<sup>۳</sup>

### چکیده

امروزه تحقق ترور با حمایت مستقیم اشخاص حقیقی و حقوقی (مانند دولت‌ها و شبه نظامیان مسلح) و با شکل‌های مستقیم و غیرمستقیم و حتی با استفاده از فناوری‌های پیشرفته همچون ربات، پهباد یا فضای سایبری انجام می‌شود. این تنوع و گستردگی در ترور موجب شده تا خلاء صلاحیت قضایی در سطح بین‌المللی مشاهده شود؛ چرا که در جرایم مرکب و فراسرزیمینی؛ دادگاه‌های ملی در صورت دسترسی یا استرداد مجرمین، صلاحیت رسیدگی خواهند یافت و دیوان بین‌المللی کیفری بعنوان یک مرجع قضایی، نسبت به جرم ترور واجد صلاحیت مصرح نیست (بر اساس ماده ۵ اساسنامه). برای بررسی ابعاد گسترده این موضوع و چگونگی رسیدگی به اقدامات ترور، بدنبال این سوال هستیم که آیا می‌توان با قرار دادن این جرایم در حوزه بررسی دیوان کیفری بین‌المللی؛ دولت‌ها را از اقدامات خودسرانه منع کرد و پیگرد و تعقیب این جنایات را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد (در راستای اصل بی‌کیفر نماندن مجرمین)؟ و اینکه آیا اعمال چنین صلاحیتی به دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جرم ترور با توجه به اساسنامه موجود؛ امکان پذیر می‌باشد (در مفهوم کلان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت)؟ در پاسخ به این سوال فرضیه به این شکل مطرح می‌شود که برای این موضوع به اصلاح و بازبینی مجدد اساسنامه؛ برای اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت ترور و تروریسم در قالب جنایتی مستقل نیاز نخواهد بود (چرا که می‌توان ترور را در شرایط جنگی از قاعده *JUS in bello* و در شرایط غیرجنگی از قواعد *JUS ad bellum* جهت پاسخگویی و رعایت حقوق حاکم بر آن برای محاکمه استفاده نمود)، هرچند این مهم؛ نیازمند بررسی مفصل و سنجش صلاحیت‌های دیوان بگونه تفکیکی و بر اساس کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و سایر اسناد مرتبط خواهد بود که ما در این پژوهش در پی سنجش و بررسی آنها می‌باشیم. روش انجام این تحقیق، تفسیری-کیفی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای است، که با مشاهده‌ی داده‌ها و جمع‌آوری آنها از منابع علمی مختلف (کتاب‌ها و مقالات)، اطلاعات پژوهشی جمع‌آوری و به شیوه‌ی تطبیقی تجزیه و تحلیل گردیده است.

**واژگان کلیدی:** صلاحیت، دیوان کیفری بین‌المللی، ترور و تروریست.

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

<sup>۲</sup>. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

<sup>۳</sup>. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران

## ۱. مقدمه

هر مساله و اتفاق جنایی با ایجاد ناامنی در جامعه امنیت فردی و اجتماعی جامعه را به خطر می‌اندازد. از این رو، نظام کیفری به عنوان مجموعه‌ای از نهادها و آیین‌های معقول جامعه، برای بیان واکنش علیه جرم و بزهکاری، مداخله می‌کند تا ضمن بازگشت امنیت، آرامش خاطر را برگرداند (حبیب زاده و حکیمی ها، ۱۳۹۶: ۴۸). تعدد حملات تروریستی طی دهه‌های اخیر که در گوشه و کنار جهان موجب شده تا سازمان ملل متحد، کنوانسیون‌های حقوق بشری متعددی را با استناد به اسنادی از جمله قطعنامه ۱۳۶۸۱، در مبارزه با اقدامات تروریسم بین‌المللی و حق بر دفاع مشروع؛ جهت مقابله با اقدامات تروریستی را برسمیت بشناسد، اما به موازات پیشرفت ترور و تروریست در عرصه‌های مختلف بین‌المللی، بدلیل گستردگی و سازماندهی بودن اقدامات تروریستی و تبدیل آنها به بازیگران بین‌المللی، این اسناد آن‌چنان که انتظار می‌رفت با تحولات و چالش‌های کنونی؛ چندان نمی‌تواند اثری رضایت بخش داشته باشند. ازین جهت؛ دولت‌ها را بر آن می‌دارد که برای مقابله با این پدیده، که صلح و امنیت و ثبات بین‌المللی را دستخوش دگرگونی ساخته است در عین حال برای حفظ ارزش‌های بشری و جلوگیری از نقض آنها؛ اقدامات خود را تحت صلاحیت نهادهای بین‌المللی و یا حتی ملی و فراملی سازمان داده یا به عبارتی دیگر مراجعی کیفری برای تعقیب و رسیدگی این جرایم بین‌المللی تاسیس بنمایند که در ادامه این نظریه را بررسی نموده ایم (مانند کشور نیجریه، سوریه، افغانستان و کشورهایی که گروهک‌های تروریستی مثل داعش در حال درگیری و جنگ با دولت مرکزی و شهروندان هستند) (Cockayne, 2015: 14-17).

لذا در چنین شرایطی، کشورها بیشتر به ارجاع پرونده‌های تروریستی به محاکم بین‌المللی دائمی علی‌الخصوص، دیوان کیفری بین‌المللی به جای ایجاد محاکم خاص و آدهوک<sup>۲</sup> تمایل نشان می‌دهند. حال آنکه؛ امروزه به دلیل عدم تعریفی دقیق از جنایت ترور در اسناد و کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی؛ پیگیری و تعقیب عاملان آن از طریق مجامع بین‌المللی بخصوص دیوان کیفری بین‌المللی دغدغه اصلی جامعه جهانی و کشورها است.

برای بررسی ابعاد گسترده این موضوع و چگونگی رسیدگی به اقدامات ترور، بدنبال این سوال هستیم که آیا می‌توان با قرار دادن این جرایم در حوزه بررسی دیوان کیفری بین‌المللی؛ دولت‌ها را از اقدامات خودسرانه منع کرد و پیگرد و تعقیب این جنایات را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد (در راستای اصل بی‌کیفر نماندن مجرمین)؟ و اینکه آیا اعمال چنین صلاحیتی به دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جرم ترور با توجه به اساسنامه موجود؛ امکان پذیر می‌باشد (در مفهوم کلان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت)؟

با این توضیح که اگر بتوان به چنین فرض و ادعای مهر تایید زد، به اصلاح و بازبینی مجدد اساسنامه؛ برای اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت ترور و تروریسم در قالب جنایتی مستقل نیاز نخواهد بود (چرا که می‌توان ترور را در شرایط جنگی از قاعده *JUS in bello* و در شرایط غیرجنگی از قواعد *JUS ad bellum* جهت پاسخگویی و رعایت حقوق حاکم بر آن برای محاکمه استفاده نمود)، هرچند این مهم؛ نیازمند بررسی مفصل و سنجش صلاحیت‌های دیوان بگونه تفکیکی و بر اساس کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و سایر اسناد مرتبط خواهد بود که ما در

<sup>۱</sup>. S/RES/1368 (2001), Threats to international peace and security caused by terrorist acts.

<sup>۲</sup>. Ad hoc

این پژوهش در پی سنجش و بررسی آنها می‌باشیم. روش انجام این تحقیق، تفسیری- کیفی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای است، که با مشاهده‌ی داده‌ها و جمع‌آوری آنها از منابع علمی مختلف (کتاب‌ها و مقالات)، اطلاعات پژوهشی جمع‌آوری و به شیوه‌ی تطبیقی تجزیه و تحلیل گردیده است.

## ۲. مفهوم لغوی ترور

«ترور» به معنی ترس شدید، وحشت، هراس و رعب است (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۱: ۵۲۲). ترور به ایجاد هراس در توده مردم یا گروهی از مردم به منظور از بین بردن مقاومت‌شان و برقراری نظام یا فرآیند سیاسی بر پایه این ترس و یا همان حکومت ترس با استفاده از مؤلفه‌های خشونت بار و اقدامات حاد است (میرزایی، ۱۳۷۶: ۲۲). ترور در سیاست به اقدامات خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها، برای سرکوب مخالفان و ترساندن آنها اطلاق می‌شود و نیز اعمال گروه-های مبارز مخالفی که برای رسیدن به اهداف سیاسی در یک کشور دست به کارهای خشونت‌آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند، ترور اطلاق می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۸۷). لذا بررسی طبقاتی جرم‌انگاری به منظور بستر سازی برای بررسی ترور و تروریسم به عنوان جرمی ضد بشری، مستلزم بررسی روش‌های بالقوه واکنش در رویارویی با تروریسم در عصر حاضر است، زیرا این روش‌ها تا حدودی بر طبقه‌بندی تروریسم به عنوان جرم ضد بشری اثر می‌گذارند (Burgess, 2006: 22).

## ۳. مهمترین اسناد مرتبط با ترور در حقوق بین‌الملل

قطعنامه (۱۹۷۲)، به عنوان اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل برای مبارزه با تروریسم ذیل ماده ۲ «دولت‌ها را تشویق و تحریک می‌نماید تا، نسبت به رسیدن به راه‌حل‌های عادلانه و مسالمت‌آمیز برای مسائلی که موجب اقدامات رعب‌آور می‌شود توجه فوری نمایند». ذیل ماده ۳ «حق ذاتی همه ملت‌های تحت سیطره استعمار، رژیم‌های نژادپرست و فاشیسم و دیگر اشکال سلطه بیگانه بر تعیین سرنوشت و استقلال مردم را مورد تأیید قرار می‌دهد و مشروعیت مبارزات آنها به ویژه مبارزه جنبش‌های آزادی‌بخش را مورد تأکید خود قرار می‌دهد». بند دوم از مقدمه قطعنامه‌های (۱۹۷۲) ۳۰۳۴، (۱۹۷۶) ۱۱۰/۳۱، (۱۹۷۷) ۱۴۷۲/۳۲ «اهمیت بررسی دلایل اقدامات تروریستی به منظور دستیابی به راه‌حل‌های عادلانه و مسالمت‌آمیز را مورد توجه قرار می‌دهد». همچنین هر سه قطعنامه در ماده ۲ دولت‌ها را به این امر ترغیب می‌نماید و در ماده ۳ نیز حق ذاتی ملت‌های تحت استعمار، رژیم‌های نژادپرست و سایر اشکال سلطه بیگانه در تعیین سرنوشت خود و استقلال را مورد تأکید قرار می‌دهد و از مبارزات استقلال‌طلبانه آنها حمایت می‌نماید. متن این ماده عیناً در بند ۵ از مقدمه قطعنامه (۱۹۷۹) ۳۱۴۵/۳۴، بند ۶ از قطعنامه‌های (۱۹۸۱) ۴۱۰۹/۳۶، (۱۹۸۳) ۱۳۰/۳۸، بند ۷ و ۸

1. A/RES/31/10, A/31/PV.57, 8 Nov. 1976 without vote.

2. A/RES/32/147, A/32/PV.105, 16 Dec. 1977, 91-9-28.

3. A/RES/34/145, A/34/PV.105, 17 Dec. 1979, 118-0-22.

4. A/RES/36/109, A/36/PV.92, 10 Dec. 1981, without vote.

5. A/RES/38/130, A/38/PV.101, 19 Dec. 1983, without vote.

قطعنامه (۱۹۸۵) ۶۱/۴۰، بند ۱۱ و ۱۲ قطعنامه (۱۹۸۷) ۱۵۹/۴۲، بند ۱۵ و ۱۶ قطعنامه (۱۹۸۹) ۳۲۹/۴۴ و بند ۱۴ و ۱۵ قطعنامه (۱۹۹۱) ۴۵۱/۴۶ تکرار شده است.

ماده ۱۷ قطعنامه (۱۹۸۹) ۲۹/۴۴ و ماده ۱۵ قطعنامه (۱۹۹۱) ۵۱/۴۶ برای اطمینان بخشی بیشتر تأکید می‌کند که، هیچ بندی در این قطعنامه نباید موجب به خطر افتادن مفاد آورده شده گردد. ماده ۶ قطعنامه (۱۹۹۱) ۵۱/۴۶ از کشورها می‌خواهد برای از بین بردن انگیزه‌های ترور از جمله؛ استعمار، تبعیض نژادی، بی عدالتی، سرکوب، نقض آشکار حقوق شهروندی و آزادی‌های اولیه و موارد مرتبطی که ممکن است موجب تروریسم در سطح بین‌المللی شده و صلح و امنیت جهانی را به مخاطره بیندازد، همکاری نمایند.

کنوانسیون ۱۹۹۹ سازمان کنفرانس اسلامی برای مبارزه با تروریسم ۵ در بند هفتم قید کرده است که «با پایبندی به مبارزه با همه اشکال و ابعاد تروریسم و از بین بردن اهداف و علل آن...» در پاراگراف هشتم نیز بر حق مشروع مبارزه با تجاوز و اشغال خارجی در راستای آزادی سرزمین و حق تعیین سرنوشت مردم و احترام به استقلال با هر ابزاری از جمله مبارزه مسلحانه در صورت نیاز تأکید می‌نماید. ذیل ماده (۳) نیز آمده است «مبارزه مردم، از جمله مبارزه مسلحانه، علیه اشغال خارجی، تجاوز؛ با هدف آزادی و تعیین سرنوشت مطابق اصول حقوق بین‌الملل نباید یک جرم تروریستی تلقی شود».

لازم باشماره است که حتی در آرای متعددی از دیوان بین‌المللی (مانند پرونده کرنوجلاک و میلان سیمیک و واسلجویک یوگسلاوی از آرای سال ۲۰۰۰) به عنوان رویه قضایی جهت ترور و قتل مردم غیرنظامی به عنوان مبنای محکومیت آن مجرمان اشاره شده است (اسماعیل نسب، ۱۳۹۸: ۱۳۴-۱۳۷).

۴. تغییر مفهومی ترور در عصر حاضر

۴/۱. دولتی و غیرقابل کنترل شدن ترور

حیات مدرن تروریسم با انقلاب فرانسه پیوند می‌خورد و سپس، تروریسم به تدریج از ابزار مشروع و انحصاری حکومت جدا شد و به لایه‌های اجتماع انتقال یافت و آنارشویست‌های قرن نوزدهم روسیه، نقطه اتصال این دگردیسی بود (حیدرقلی زاده، ۱۳۹۶: ۱۰۴). همزمان با فعالیت‌های آنارشویست‌های روسی، تروریسم به معنای «بیداری روحیه انقلاب در میان توده‌ها» بود و به شورش‌های خشونت‌آمیز اطلاق می‌شد. آنارشویست‌های روسی بدون ناراحتی خود را تروریست و تاکتیک خود را صراحتاً تروریسم اعلام می‌کردند. تاکتیکی که با قتل الکساندر دوم، پادشاه روسیه، در سال ۱۸۹۱ به نقطه اوج خود رسید. در اوایل قرن بیستم، تضعیف قدرت امپراطوری‌های عثمانی و اتریش به بالا گرفتن حرارت‌های ناسیونالیستی کمک فراوانی کرد. انقلابیون و جنبش‌های انقلابی ملی‌گرا از تروریسم به عنوان تاکتیکی علیه رهبران دولت-

<sup>1</sup> .A/RES/40/61, A/40/PV.108, 9 Dec. 1985, without vote.

<sup>2</sup> .A/RES/42/159, A/42/PV.94, 7 Dec. 1987, 153-2-1.

<sup>3</sup> .A/RES/44/29, A/44/PV.72, 4 Dec. 1989, without vote.

<sup>4</sup> . A/RES/46/51, A/46/PV.67, 9 Dec. 1991, without vote.

<sup>5</sup> . ایران نیز در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۷ این کنوانسیون را در مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب نمود.

ها استفاده کرده، آن را علیه حکومت به کار انداخته و دولتمردان را هدف قرار می‌دادند. اقداماتی که، ترور ولیعهد اتریش و شروع جنگ جهانی اول را رقم زد. تروریسم معنا و مفهوم ضمنی استفاده از وحشت و قدرت توسط دولت و اختصاصاً توسط رژیم‌هایی به کار گرفته شد که در آلمان نازی هیتلری و ایتالیای فاشیستی و شوروی استالینیست بر سر کار بودند (سیروس، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۳). اما در سال ۱۹۳۷ قبل از جنگ جهانی دوم، جامعه ملل کنفرانسی را در ورسای فرانسه تشکیل داد تا نظام سیاسی و حقوق بین‌المللی پس از جنگ را تنظیم نماید. این کنفرانس که منجر به تهیه پیش‌نویس دو کنوانسیون شد که دولت‌های شرکت‌کننده ضمن مذاکرات خود توافق کردند که اولاً تروریسم و اعمال تروریستی را که کشتن رؤسای دول و همسران بود، تقبیح و جرم بین‌المللی تلقی نمایند و ثانیاً محاکمه بین‌المللی را برای مجازات مرتکبان اعمال تروریستی تشکیل دهند (رضایی پیش رباط، ۱۳۸۷: ۵۴). پس از جنگ جهانی دوم و شکست دولت‌های توتالیتار و خصوصاً از دهه ۷۰ میلادی اعمال تروریستی افزایش زیادی یافت که از میان بیشترین افزایش مربوط به هواپیماربابی، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری و بمب‌گذاری شد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۹۴) که از آن به عنوان مصادیق اصلی تروریسم یاد شده است. هواپیماربابی یکی از مصادیق اعمال تروریستی است که اولین بار در سال ۱۹۳۱ در پرو انجام شد، اما به عنوان یکی از مصادیق تروریسم از اواخر دهه ۱۹۶۰ رواج یافت که مهم‌ترین اعمال تروریستی هواپیماربابی مربوط به حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا بود (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۲).

از ایدئولوژی و تئوری جهاد از دهه ۹۰ به بعد که توسط سازمان تروریستی القاعده بر اهداف غربی بر منافع آمریکا و کشورهای هم‌پیمانان استفاده می‌کرد (طیب، ۱۳۸۲: ۳۹) به یک تئوری قوی توسط گروه تروریستی داعش به دلیل شکست‌ها پی‌درپی در کشور عراق و سوریه تبدیل شد و با تغییر ایدئولوژی از بحث خلافت اسلامی به سوی تئوری جهاد تغییر رویکرد دادند. عملاً اواخر قرن ۲۰ و قرن ۲۱ را عصر تروریسم نامیده‌اند؛ چرا که تروریسم از حیث گستردگی و دامنه نفوذ با تروریسم و شکل‌های متنوع ترور ماقبل خود تفاوت‌های اساسی و بنیادین دارد.

بطور خلاصه، علل و عواملی که باعث گسترش ترور دولتی بین‌المللی در دوران بعد از جنگ سرد و غیرقابل کنترل شدن آن علیرغم وجود اسناد متعدد بین‌المللی شده است، عبارت‌اند از (حیدرقلی زاده، پیشین: ۱۱۲):

- ۱- در درجه اول متحول شدن شبکه‌های بین‌المللی مجرمانه؛ مثل شبکه مافیایی.
- ۲- در دهه‌های اخیر، ایدئولوژی‌های برتری جو در سطح بین‌المللی، تروریسم را مورد استفاده قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، جابجایی‌های هنجارهای جدید به جای هنجارهای قدیمی، با این وجود این پدیده در حال توسعه است و یکی از عوامل آن توسل ایدئولوژی‌های برتری جوست که در نقاط مختلف دنیا هستند و از این شیوه استفاده می‌کنند (آزمایش، ۱۳۸۰: ۱۹۰-۱۸۹).
- ۳- پیشرفت تکنولوژیکی، رشد ارتباطات گروهی به ویژه تلویزیون، کامپیوتر و ماهواره‌ها که باعث شد که تروریست‌ها از طریق آن اعمال تروریستی خود و هم‌چنین از تقاضای خود را به اطلاع همگان برسانند و هم‌چنین از طریق آن تأثیر ترور خود را بر کل جامعه گسترش دهند.

۴- دسترسی به سلاح‌های مخرب بر اثر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و استقلال جمهوری‌های جدید یا خروج نیروهای ناتو از مناطق تحت اشغال (مانند افغانستان)، که موجب شد اطلاعات علمی مربوط به سلاح‌های پیشرفته پخش شود که یکی از موجباتی است که انجام تروریسم را تسهیل کرد و در نتیجه دامنه ترور را گسترش داده است.

#### ۴/۲. سایبری شدن ترور

امروزه عمق و شدت وابستگی جوامع پیشرفته در همه امورشان، از دفاع گرفته تا امور انتظامی، بانکداری، تجارت، حمل‌ونقل، فعالیت علمی و بخش بزرگی از معاملات بخش دولتی و بخش خصوصی به ذخیره‌سازی، بازیابی، تحلیل و انتقال اطلاعات وابسته است که برای حملات مخرب به این اطلاعات اصطلاح تروریسم اطلاعاتی یا فضای سایبری به کار می‌برند (Bogdanoski, 2020, 59-61). باید توجه داشته باشیم که امور دفاعی، انتظامی، بانکداری، بازرگانی، حمل و نقل، فعالیت‌های علمی و درصد وسیعی از معاملات بخش‌های دولتی و خصوصی از طریق شبکه را در معرفی خرابکاری اشخاص قرار دهد که به صورت غیرمجاز وارد شبکه می‌شوند و می‌توانند انجام امور یک کشور را مختل سازند. از همین روست که بحث درباره تروریسم اطلاعاتی و جنگ سایبری در فضای مجازی هر روز رو به گسترش و پیشرفت است (Schreier, 2020: 7-8). در قرن حاضر هم تروریست‌ها و تبهکاران به تدریج به سایبر تروریسم راه یافته‌اند. این شیوه از تروریسم به دلیل اینکه کم هزینه و غیرقابل شناسایی است جایگزین حمایت‌های دولتی گردیده است (The use of the Internet for terrorist purposes, 2012: 12-13). حمایت دولتی که زمانی یک از مؤلفه‌های اصلی موفقیت در ترور بود، ممکن است از این پس برای تروریست‌ها چندان حیاتی نباشد، زیرا فناوری اطلاعات و فضای سایبر با فراهم آوردن ظرفیت‌های جدید و مؤثرتر برای تروریست‌ها و هم‌چنین آزادی عمل آنها برای انجام حملات سازمان یافته تروریستی و خاص، در عمل بسیاری از مزایای حمایت دولتی را منسوخ کرده و خود را جایگزین این نوع تروریسم ساخته است (Ibid, p 133-134).

#### ۴/۳. سازمان یافته شدن ترور

امروزه ترور انفرادی تبدیل به جرم سازمان یافته و بعضاً بصورت جرم جمعی محقق می‌شود، یعنی مصادیق تروریسم به صورت جرم انفرادی روز به روز کمتر می‌شود و مواردی از تروریسم، سازمان یافته‌تر و سازمان داده شده‌تر می‌شود (آزمایش، پیشین: ۱۸۶). به دلیل پیشرفت تکنولوژی به‌خصوص جهانی شدن فناوری ارتباطات و اطلاعات، تروریسم تحولات زیادی نسبت به گذشته داشته است که در مجموع تغییرات سازمانی و شبکه‌ای و همچنین سازمان یافته‌تر و به استقلال مالی و خودکفایی رسیده است (یزدانی، ۱۳۸۶: ۸۵۹). گروه‌های تروریستی سازمان یافته، قادر شده‌اند به پیچیده‌ترین سلاح‌های پیشرفته و کشتار جمعی و شبکه اینترنتی دست یابند، همین امر آنها را قادر ساخته است که کل جهان را بطور یکپارچه تحت تأثیر عملیات ترور خود قرار دهند، تا جایی که باید گفت، مرتکبان عملیات تروریستی سازمان یافته‌تر شده و طبیعت فراملی و جهانی دارند و از پشتیبانی سایبری بخوبی بهره می‌برند (Global Terrorism Index 2020, 78: 2020) و حتی به صورت برنامه‌ریزی شده برای تحصیل منفعت یا قدرت اقدام نموده (مانند وضعیت طالبان در کشور افغانستان در وضعیت کنونی)؛ در صورتی که، در مدت زمان طولانی ب نامحدود نقشی از طریق تجارت با

ساختارهای شبه تجارتي با استفاده از خشونت یا ديگر وسايل تهديد يا از طريق نفوذ و سياست با رسانه‌ها با اداره امور عمومي، سيستم قضايي با اقتصاد ايفا نموده و براي تحصيل قدرت مرتكب جرم شده و همكاري نمايند، در اين صورت از شمول جنايات سازمان يافته خارج مي‌شود و در قالب و چارچوب تروريسم قابل تأمل و بحث است كه از آن به عنوان "تروريسم سازمان يافته" ياد مي‌شود كه عبارت است از؛ اعمال ترور به صورت منظم و سازمان يافته با خشونت و كشتار بي حساب يا خشونت سازمان يافته عليه انسان‌ها و نهادهاي اجتماعي به منظور تغيير نظم حاكم است. (ميرمحمدصادقي، پيشين: ۳۴۰). آنها از طريق تطهير پول با استفاده از پوشش‌هاي تجاري مشروع از طريق بانك‌ها و مؤسسات تجاري و هم‌چنين قاچاق مواد مخدر و غيره كه مصداق بارز جنايات سازمان يافته است، تروريست‌هاي سازمان يافته را از نظر جنبه مادي و مالي تأمين مي‌كند. از جمله مي‌توان به شبكه سازمان يافته جهاني القاعده اشاره نمود كه از طريق فعاليت تجاري از جمله كارخانه مواد مخدر در تأمين بودجه مالي‌شان اقدام و در بيش از ۶۰ كشور جهان فعاليت مي‌كنند (طيب، ۱۳۸۲: ۸۶).

## ۵. ترور و صلاحيت رسيدگي ديوان بين‌المللي كيفري با توجه به عنصر قانوني جرم انگاري

### ۵/۱. چگونگي جرم انگاري ديوان بين‌المللي كيفري نسبت به جرم ترور

ارزيابي طبقات جرم انگاري به منظور زمينه‌سازي براي بررسي تروريسم، نيازمنند بررسي شيوه‌هاي بالقوه ديگري در واكنش به رويارويي با تروريسم در عصر كنوني است، زيرا اين روش‌ها مي‌تواند بر طبقه‌بندي تروريسم به عنوان جرم ضدبشري تأثير بگذارند. از اين زاويه مي‌توان جرم انگاري تروريسم را با در نظر گرفتن طبقاتي همچون جرم مستقل، اشكال خاص تروريسم، تروريسم به عنوان جنايت جنگي، تروريسم به عنوان نسل‌كشي و تروريسم به عنوان جرم ضدبشري، تحت بررسي و كنكاش قرار داد (Roberta, 2004: 216)، اما نويسنده معتقد است، وضعيت فعلي اسناد بين‌المللي در تحليل ترور، بعنوان يك جرم مستقل يا جرمي ضد بشري است.

### ۵/۲. ترور بعنوان جرمي مستقل

در اواخر قرن بيستم، بخش عمده‌اي از اعمال تروريستي، به واسطه تصويب معاهده‌هاي منطقه‌اي ضد تروريسم، جرم- انگاري شده بود كه براساس آن معاهده‌ها، در صورت وجود عناصر جنايت، برخي از اعمال تروريستي مانند: جرايم جنگي، جنايت‌هاي ضدبشري، نسل‌كشي و شكنجه، طبقه‌بندي مي‌شوند. اين در حالي است كه از اوایل دهه هفتاد ميلادي، جامعه بين‌المللي با ارائه دلايل و قرائني، عدم و تأييد رضاييت خود از اقدامات تروريستي را بيان کرده است. بنابراین، هر يك از اين دلايل در جای خود، به عنوان مبنايي براي حمايت از جرم انگاري تروريسم در سطح بين‌المللي در نظر گرفته مي‌شوند (نمايان، ۱۳۸۲: ۱۴۴-۱۴۵).

مطالعه‌اي كه در سال ۱۹۸۸ انجام گرفت، مشخص شد كه بيش از يكصد تعريف رسمي و آكادميك از تروريسم وجود دارد (Jorg, 2006: 420-425). لازم به ذكر است اين واژه از لحاظ سياسي، مناقشه برانگيز و سطح مخالفت درخصوص تفسير آن عمقي و پرفحواست. علت اصلي آن را مي‌توان در عباراتي چون «انسان تروريست، مبارزي براي آزادي انسان ديگر است» يا «اعمالي كه از نظر برخي تروريسم مي‌باشد، به نظر عده‌اي ديگر قهرمان‌گرایی است»، جستجو



کرد. به ویژه، کشورهای جهان سوم اصرار دارند اعمال خشونت‌آمیز مبارزان آزادی، به عنوان تروریسم تعریف نشود (ممتاز، ۱۳۸۰: ۳۳). البته وجود اختلاف در تعریف، به این دلیل نیست که اصلاً به تعریف تروریسم در سطح بین‌المللی پرداخته نشده، بلکه رویکرد به کار گرفته شده، بسیار ضعیف بوده و به جای پذیرفتن معاهده‌ای جامع در مقابله با تروریسم، رسیدگی به اشکال و مظاهر گوناگون ترور در اولویت قرار گرفته است (کوشا، ۱۳۸۷: ۲۴۳-۲۴۸).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در هشتم سپتامبر سال ۲۰۰۹، «راهبرد جهانی ضد تروریسم» را پذیرفت که از جمله اهداف آن، وارد کردن فعالیت‌های ضدتروریستی گوناگون نظام سازمان ملل متحد به عنوان چارچوبی مشترک است.<sup>۱</sup> بنابر اهداف بررسی جاری تعریف تروریسم، یکی از مهمترین ابعاد فعالیت‌های سازمان ملل متحد، فعالیت کمیته ویژه مجمع عمومی در خصوص تهیه و تدوین «پیش‌نویس کنوانسیون جامع مقابله با تروریسم بین‌المللی ۲» است.<sup>۳</sup> گزارش دسامبر ۲۰۰۶ هیأت عالی دبیرکل، با عنوان «تهدیدها، چالش‌ها و تغییر و تحول، جهانی امن‌تر، مسئولیت مشترک ما»، نیز به بحث و جدل در خصوص ارائه تعریف یکسان تروریسم کمک کرده است.<sup>۴</sup> در ادامه، شورای امنیت سازمان ملل در هشتم اکتبر ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۵۱۹ (اقدام قانونی با توجه به تهدید صلح، نقض صلح و اعمال تجاوزگرانه) را مبنی بر عناصر پیشنهادی تعریف تروریسم را اعلان نمود. در ضمن، گزارش مارس ۲۰۰۵ دبیر کل تحت عنوان «آزادی بیشتر به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همگان»، مؤید اظهارنظرهای هیأت عالی رتبه در خصوص عناصر تعریف تروریسم بوده است.<sup>۵</sup> کمیته مقدماتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، عناصر تعریف تروریسم را که در این اسناد پیشنهاد شده بودند، به صورت موردی مدنظر قرار داد، اما بطور کلی، نظر نمایندگان چنین بود که عناصر بایسته در پیشنهادهای هیأت عالی رتبه تحت پوشش پیش‌نویس جاری ماده ۲ پیش‌نویس کنوانسیون جامع قرار دارند.<sup>۶</sup>

«هیچ تعریفی از تروریسم به عنوان جرمی مستقل وجود نداشته و آنچه که مورد توافق قرار نگرفته است، معافیت از این تعریف است؛ یعنی خروج اقدامات جنبش‌های رهایی بخش ملی یا مبارزان آزادی از تعریف تروریسم، به جای تعریف تروریسم» (Cassese, 2003, 120 - 125). به علاوه، کاسسه سه عنصر اصلی تروریسم را به عنوان جرم مستقل مشخص کرده که به شرح ذیل است (ibid):

«۱. اقدامات باید مطابق با نظام‌های حقوقی ملی، جرم کیفری محسوب شوند؛<sup>۲</sup> باید برای اشاعه رعب و وحشت در میان مردم یا توسل به زور نسبت به کشور مورد با سازمان بین‌المللی ارتکاب یافته باشند؛<sup>۳</sup> باید انگیزه‌ای سیاسی، مذهبی، اقتصادی یا عقیدتی وجود داشته باشند، یعنی به واسطه پیگیری منافع شخصی برانگیخته نشده باشند.» به نظر می-

<sup>1</sup> - A/RES/60/288; 2006, available at <http://www.un.org/terrorism/strategy-counter-terrorism.html>.

<sup>2</sup> - UN Ad Hoc Committee on Terrorism, Draft International Comprehensive Convention on International Terrorism, in Annexes to the Report of the Ad Hoc Committee Established by General Assembly Resolution 51/210 of 17 December 1996, UN GAOR, 57<sup>th</sup> session, no 37, UN Doc A/57/37; 2002.

<sup>3</sup> - The Ad Hoc Committee was established in 1996 by UN General Assembly Resolution 51/210 of 17 December 1996.

<sup>4</sup> - U. N. Doc GAOR 59<sup>th</sup> session (A/59/565; 2 December 2004), available at <http://www.un.org/secureworld>.

<sup>5</sup> - U.N.Doc. GAOR, 59<sup>th</sup> Sess. (A/59/2005; 21 March 2005), pp. 87.94, available at <http://www.un.org/largerfreedom>

<sup>6</sup> - Report of the Ad Hoc Committee established by General Assembly resolution 51/210 of 17 December 1996, Ninth Session, 28 March - 1 April 2005; UN. Doc. GAOR 60 Sess. Supp. No. 37 (A/60/37), Anex I., pp. 28, 31.

رسد واکنش کیفری در قبال ترور به عنوان جرمی با ذات مستقل، چند مؤلفه مهم مانند اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری و اصل وضوح و تمایز و اصل قانونی بودن جرم و مجازات تروریسم را نقض می‌کند؛ قوانین تحمیل کننده بعنوان واکنش کیفری تا حد امکان آشکار و متمایز باشند تا بتوانند به عنوان مانعی کیفری در بروز و محاکمه ترور جدید استفاده شوند (اسماعیل نسب، ۱۳۹۳: ۵۹) ۱.

اعتبار اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین در حقوق بین الملل کیفری، جای هیچ بحث و جدلی را باقی نگذاشته است، اما اصل وضوح و تمایز، بطور مطلق در حقوق بین الملل کیفری قابلیت اجرایی ندارد. کاسسه نمونه‌هایی از این مفاهیم مبهم در حقوق بین الملل کیفری را ارائه کرده است که عبارتند از رفتار غیرانسانی، تجاوز به عنف، شکنجه، اذیت و اسارت و بردگی را می‌توان اشاره کرد (Cassese, op. cit. : 145-147). هرچند، هیچ سندی در حقوق بین الملل که عناصر عینی و ذهنی این مفاهیم را مقرر کند، وجود ندارد، اما صلاحیت قضایی دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق، رواندا و همین‌طور مقررات دیوان کیفری بین المللی، کمک چشمگیری به طبقه‌بندی این مفاهیم کرده‌اند، با وجود اینکه، اصل وضوح و تمایز، بطور مطلق در حقوق بین الملل کیفری کاربرد عملی ندارد و به موجب حقوق بین الملل ترور را نمی‌توان، به عنوان جرمی مستقل قلمداد کرد. از این رو، اتخاذ چنین سیاستی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و به ویژه، اصل به ماسبق نشدن قوانین کیفری و اصل وضوح و تمایز را نقض می‌کند و زیر سوال می‌برد. لذا به واسطه نبود تعریف حقوقی مورد توافق از تروریسم، نمی‌توان جهت اقدام مرتبط کیفری در مواجهه با آن، از عنوان جرمی ذاتاً مستقل استفاده کرد، اما روشن است که می‌توان براساس کنوانسیون‌های حقوق بشری در قبال اشکال و مظاهر گوناگون ترور، از مصادیق جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی با سایر مولفه‌های مرتبط مقابله کرد.

### ۵/۳. در نظر گرفتن ترور بعنوان جرم ضد بشری

دیوان کیفری بین المللی، صلاحیت قضایی برای رسیدگی به جرم ترور و اعمال تروریسم را مستقلاً ندارد، اما این نافی داشتن صلاحیت برای بررسی مرتکبان جرایم تروریستی با اشکال مختلف ترور نیست. اگر اقدام تروریستی در چارچوب تعریف جرایم ضدبشری مصرح در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی قرار بگیرد، دیوان کیفری بین المللی بطور غیرمستقیم، در مورد آن از صلاحیت قضایی ویژه برخوردار است و این معنا استنباط می‌شود که دیوان کیفری بین المللی نسبت به بررسی جرائم تروریسم صلاحیت قضایی دارد.

با این حال، تعیین صلاحیت دیوان از این جهت مورد اهتمام است که به موجب یکی از قواعد بنیادین حقوق بین الملل موسوم به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، به حکم قانون، هیچ فعلی جرم نیست و هیچ مجازاتی برای آن مقرر نمی‌شود.

۱. ماده ۲۲ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بیان میدارد: اصل قانونی بودن جرم :

۱. هیچکس به موجب این اساسنامه مسئولیت کیفری نخواهد داشت مگر اینکه عمل وی، در زمان وقوع، منطبق با یکی از جرائمی باشد که در صلاحیت دیوان [کیفری بین المللی] است.

۲. تعریف جرم براساس اصل تفسیر مضیق به عمل می‌آید و توسل به قیاس برای تعریف آن ممنوع است. در صورت ابهام، تعریف به نفع شخصی تفسیر می‌شود که موضوع تحقیق، تعقیب و یا محکومیت واقع شده است.

۳. مقررات این ماده مانع از آن نیست که عملی از دیدگاه حقوق بین الملل و مستقل از این اساسنامه جرم تلقی شود.

به منظور اثبات ارتکاب جرایم ضدبشری برحسب ماده ۷، شاکی (یا دادستان) باید ثابت کند ارتکاب جرم تحت بررسی، جرم ضدبشری است و عناصر جرم جنگی یا جرم ضدبشری احراز شده‌اند؛ بنابراین، بررسی اینکه تروریسم می‌تواند به طور منطقی واجد این شرایط باشد، حائز اهمیت است.

بسیاری از اقدامات تروریستی که منجر به ارتکاب بعضی جرایم خاص می‌شوند برحسب ماده ۷، جنایت ضدبشری به شمار می‌رود. جرائمی چون؛ مثل قتل، زندانی کردن یا محرومیت شدید از آزادی جمعی در نقض قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل، شکنجه و دیگر اعمال غیرانسانی که بطور عمد، ویژگی مشابهی داشته و منجر به درد و رنج زیاد یا صدمه جدی به جسم یا به سلامت روحی یا جسمی می‌شوند (رنجبریان، ۱۳۸۷: ۲۰۵-۲۴۸). برای مثال، در قضیه اکایس، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا واژه «گسترده» را به صورت «اقدام جمعی، مکرر و بزرگ مقیاس» آورده است که بطور جمعی یا گروهی با خطری گسترده علیه جمع کثیری از قربانیان مرتکب شده است (Prosecutor v Jean-Paul Akayesu, 1998: 58).

بنابراین، اقدامات تروریستی در مقیاس گسترده، مثل حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به سهولت شرط حمله گسترده و سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی را مدنظر قرار می‌دهد؛ هرچند نتوان ثابت کرد که حمله به جمعیت غیرنظامی به صورت بخشی از حمله سازمان‌یافته واقع شده است. اقدام تروریستی که ملاک ارتکاب به عنوان بخشی از حمله سازمان‌یافته به جمعیتی غیرنظامی را مدنظر قرار دهد، می‌تواند جرم ضدبشری محسوب شود؛ هرچند نتوان حمله را در مقیاس گسترده یا متأثر کننده جمع کثیری از قربانیان توصیف کرد (یعنی نمی‌توان آن را به عنوان بخشی از حمله گسترده دانست). بنابراین، اقدام تروریستی علیه قربانی یا جمع محدودی از قربانیان نیز اگر به صورت بخشی از حمله سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی واقع شده باشد، می‌تواند جرم ضدبشری محسوب شود (ranter, 2001: 23). لذا تعداد قربانیان در حملات ۱۱ سپتامبر، جرم ضدبشری را شکل نمی‌دهد، اما در عمل و از منظر ادله اثباتی، اثبات اقدام تروریستی به عنوان بخشی از حمله گسترده به جمعیت غیرنظامی، به جای بخشی از حمله سازمان‌یافته به آن جمعیت غیرنظامی، به سهولت امکان‌پذیر خواهد بود.

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت در اقدامات تروریستی خاصی که به وسیله یک شخص واقع شده، می‌توان شرط ارتکاب را به عنوان بخشی از حمله گسترده یا سازمان‌یافته در نظر گرفت. بنابراین، اگر شرط «سازمان‌یافته» مدنظر قرار نگیرد، اقدامات تروریستی خاص نمی‌توانند ملاک‌های لازم را به عنوان جرم ضدبشری براساس ماده ۷ احراز کنند؛ زیرا به طرز خاصی، از ویژگی فاحش و جمعی بودن فاصله می‌گیرند.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، درخصوص حمله به جمعیت غیرنظامی، تصریح کرده که حمله بر مبنای سیاست ملی یا سازمانی ارتکاب یافته باشد یا به پیشبرد آن سیاست کمک کند. این حملات می‌توانند بر مبنای پیشبرد سیاست سازمانی برای ارتکاب چنین حملاتی باشند. به ویژه، گسترش مفهوم جنایت ضدبشری برای تحت پوشش قراردادن اقدامات ارتكابی توسط تروریست‌ها، به عنوان بازیگران غیردولتی، بطور ویژه به رسمیت شناخته شده است. گسترش و

پیشرفت مفاهیم جنایت ضدبشری، این امکان را فراهم می‌کند تا اقدام به ترور به سهولت و بنا بر اهداف این ملاک طبقه‌بندی شوند. این امر، پیش از این به عنوان یکی از موانع مهارنشده‌ی نسبت به طبقه‌بندی چنین اعمالی به عنوان جرایم ضدبشری بوده است؛ زیرا بسیاری از اقدامات تروریستی معاصر براساس سیاست ملی واقع نمی‌شوند (goldstone, 2003: 363-365). هرچند از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و بر پایه حقوق بین‌الملل، مختصات مسلحانه جرم ضدبشری باید با جنگ با درگیری مسلحانه بین‌المللی یا داخلی مرتبط باشند، اما امروزه، ضرورت وجود این رابطه دیگر مورد اتمام نیست (جلالی، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۲۰). همچنین، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هم ارتباط با جنگ با درگیری مسلحانه را الزامی نمی‌داند. رویکرد مزبور موجب گردیده اقدامات تروریستی به سهولت در حیطه تعریف جرایم ضدبشری قرار گیرند. بر همین اساس، می‌توان اظهار نمود اقدامات تروریستی ارتكابی در نیویورک (۲۰۰۱)، بالی (۲۰۰۲)، مادرید (۲۰۰۶)، لندن (۲۰۰۵) و مسکو (۲۰۰۹ و ۲۰۱۰) در چارچوب نظامی یا درگیری مسلحانه ارتکاب نیافته‌اند.

#### ب) دلایل رد ترور در ماده ۷ اساسنامه دیوان

با تفسیر ماده ۷ اساسنامه دیوان، می‌توان تروریسم را با جمیع جهات، در زمره جنایت ضدبشری دانست و مرتکبان آن را تحت تعقیب حقوقی و قانونی قرار داد، اما آنچه مورد اتمام و توجه است، وجود دلایلی مستند و متقن در رد تروریسم در ماده مزبور اساسنامه قید شده می‌باشد. بنابراین، در جهت ارزیابی دلایل رد تروریسم که در ماده ۷ اساسنامه به آن اشاره شده، نکات ذیل قابل ارائه است:

- ۱- تاریخچه اساسنامه دیوان، نشان می‌دهد تا زمان کنفرانس نمایندگان دیپلماتیک رم در سال ۱۹۹۸، هرگونه تلاشی برای گنجاندن تروریسم در حیطه صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی، محدود به اطلاق تروریسم به عنوان جرمی مستقل و از هرگونه پیشنهادی مبنی بر قرار گرفتن آن در حیطه جنایات ضد بشری متمایز بود.
- ۲- کنفرانس نمایندگان دیپلماتیک رم (۱۹۹۸) طی صدور قطعنامه‌ای، پیشنهاد نمود، بطور ویژه، با توجه به وجود فهرست جرایم مقرر در چارچوب صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی، به بررسی جرم تروریسم بپردازد. که نشان داد اعمال تروریستی نباید در حیطه اساسنامه دیوان برای بررسی قرار گیرند (Schabas, 2003: 931-932).
- ۳- رویکرد قابل پذیرش درخصوص تدوین اساسنامه دیوان این بود که اگر اقدامات تروریستی بر پایه حقوق بین‌الملل عرفی در حیطه جنایات ضد بشری قرار می‌گرفتند، آنگاه بطور منطقی، تروریسم به عنوان جرم ضدبشری، باید بطور مشخص در ماده ۷ گنجانده می‌شد و جرایمی مانند: بارداری اجباری، ناپدیدسازی اجباری اشخاص و تبعیض نژادی را به عنوان جرم ضدبشری تعریف می‌کردند.
- ۴- اگر تصمیم بر آن بود که عمل ترور در حیطه ماده ۷ اساسنامه قرار گیرد، مرتکب چنین اقداماتی جنایتکارانه ای می‌توانستند بطور بحث برانگیز با موفقیت به این استدلال تکیه کند که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نقض شده است.

۵- با مطالعه مواد ۳۱ تا ۳۳ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات (که بدلیل عام بودن آن معاهده بر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، قابلیت انطباق دارد)، می‌توان گفت: «هر معاهده برحسب معنای عادی که در سیاق عبارات به شروط آن داده می‌شود و در پرتو موضوع و هدفش با حسن نیت تفسیر خواهد شد و امکان دارد به منظور تشخیص معنای مقررات معاهده، این اجبار پیش آید که به روش‌های تفسیری مکمل توسل شود».

۶- یکی از ویژگی‌های خاص تروریسم، قصد ترویج و انتشار رعب و وحشت یا مرعوب ساختن جمعیت یا همچنین وادار کردن دولت یا سازمان بین‌المللی برای ارتکاب یا ترک فعل است. اگر قرار بود در حیطه ماده ۷ با تروریسم مقابله شود، هیچ گزارش ویژه‌ای از این ویژگی موجود نمی‌باشد.

#### ۶. ترور و موانع صلاحیتی دیوان بین‌المللی کیفری

تحلیل‌گران به دفعات و با صراحت اعلام کرده‌اند که می‌توان و حتی باید مرتکبان تروریسم را در دیوان کیفری بین‌المللی محاکمه کرد (Podgers, 2003: 12). هرچند مطابق تفسیر لغوی ماده ۷، مظاهر خاص ترور در حیطه آن قرار می‌گیرند، اما زمانی که عوامل دیگری (که در بالا ذکر شدند) مدنظر قرار می‌گیرند، نمی‌توان تشخیص داد در حال حاضر، ترور به عنوان جرم ذاتاً مستقل یا مظاهر خاص تروریسم، در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار می‌گیرد یا خیر.

#### ۶/۱. موانع صلاحیتی

محقق معتقد است، چند مانع صلاحیتی باید به هنگام رسیدگی به جرم ترور در دیوان، مدنظر قرار گیرند: اول، دیوان تنها در مورد جرایمی از صلاحیت قضایی برخوردار است که پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه واقع شده باشند. در خصوص دولتی که بعد از اجرایی شدن اساسنامه دیوان برای آن دولت واقع شده‌اند، رسیدگی کند، مگر آنکه این کشور، مطابق بند سوم ماده ۱۲ اساسنامه دیوان، بیانیه‌ای صادر کرده باشد.

دوم، همان‌طور که پیش از این ذکر شد، هر عنصر خاص تروریستی واقعاً باید ملاک‌های جرم ضدبشری را دارا باشد. در واقع، باید در حیطه یک یا چند جرم تعریف شده به عنوان جرم ضدبشری قرار گیرد.

سوم، دیوان در چارچوب صلاحیت قضایی خود می‌تواند در سه وضعیت، در رابطه با جرمی، اعمال صلاحیت کند که عبارتند از:

الف) موقعیتی که در آن، جرمی در حیطه صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی واقع شده، به وسیله دولت عضو به دادستان کل ارجاع شود (ارجاع کشور عضو)؛

ب) وقتی چنین موقعیتی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد که به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد عمل می‌کند، به دادستان کل ارجاع شود (ارجاع شورای امنیت)؛

ج) وقتی دادستان کل، تحقیقات درخصوص چنین جرمی را آغاز کرده باشد (تحقیقات آغاز شده به وسیله دادستان کل).

در مورد ارجاع دولت عضو یا تحقیقات آغاز شده به وسیله دادستان کل، دیوان تنها در جایی می‌تواند صلاحیت قضایی خود را اعمال کنند که دولتی که جرم در قلمرو آن واقع شده (دولت سرزمینی) و یا دولتی که متهم، تبعه آن است (دولت ملی)، عضو اساسنامه دیوان باشد یا صلاحیت دیوان را پذیرفته باشد. معذالک، اقدام تروریستی ارتكابی توسط اتباع دولت غیرعضو و در قلمرو دولت غیرعضو، در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه، چنین عملی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، به دادستان کل ارجاع شده باشد.

#### ۶/۲. موانع تکمیلی بودن

صلاحیت قضایی دیوان، مکمل صلاحیت قضایی کیفری ملی است. بنابراین، در جایی که اقدام تروریستی به وسیله دولتی شروع به تحقیق یا محاکمه می‌شود که بر آن صلاحیت قضایی دارد، دیوان رسیدگی نخواهد کرد. علاوه بر این، در جایی که دادستان دلیلی منطقی برای شروع تحقیقات دارد، باید آن را به تمامی دولت‌های عضو و دولت‌هایی که بطور عادی در مورد جرایم ذریبط رسیدگی می‌کنند، ابلاغ کند.

دولت نیز می‌تواند ظرف یک ماه پس از این ابلاغ، به دادستان اطلاع دهد که اتباع خود یا اشخاص دیگر را در حیطه صلاحیت قضایی خود با توجه به جرم مورد نظر، مورد تجسس و بازجویی قرار داده و از دادستان درخواست کند این تحقیق را به بعد موکول نماید. هرچند اگر با این تأخیر موافقت شود، برگشت‌پذیر است، اما دولتی که حامی تروریسم است یا آن را نادیده می‌گیرد، می‌تواند از آن برای به تأخیر انداختن محاکمه مرتکبان ذریبط، براساس مقررات ماده ۱۹ اساسنامه، استفاده کند.

سناریوی واقعی، موقعیت دولت حامی تروریسم است که نمی‌توان محاکمه تروریست‌ها را به آن محول کرد. برای مثال، پرونده لاکربی مربوط به محاکمه دو تبعه لیبی، به دلیل بمب‌گذاری در پرواز ۱۰۳ «پان آمریکا» در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ است که از سوی لیبی در عمل تروریستی‌شان حمایت شده بودند. لیبی مظنونان را برای محاکمه به آمریکا یا انگلستان مسترد نکرد و در مقابل، اعلام نمود متهمان را در دادگاه ملی خود محاکمه خواهد کرد.

ایالات متحده آمریکا نگران بود محاکمه به وسیله دادگاه‌های لیبی، تشریفات و نمادین باشد و منجر به صدور حکمی نادرست گردد، درحالی که لیبی بی‌طرفی آمریکا و رفتار بالقوه‌ای را که این دولت با مظنونان خواهد داشت، زیر سؤال برد. در نهایت، محاکمه‌ای در محضر دادگاه اسکاتلندی در هلند برگزار شد. بنابراین، محاکمه در محضر دادگاه بین‌المللی دائمی که اکثر دولت‌ها آن را بی‌طرف و منصف بدانند، صورت خواهد گرفت و در صورت تکرار موقعیت لاکربی در آینده، مورد قبول هر دو دولت سرزمینی و ملی واقع خواهد شد (گلدوزیان و نامامیان، پیشین، ص ۱۹۱-۱۸۹).

#### ۶/۳. دیگر موانع

حتی اگر براساس قطعنامه پذیرفته شده در کنفرانس ۱۹۹۸ نمایندگان دیپلماتیک رم، ترور و اعمال تروریستی در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار می‌گرفت، وقتی تروریسم به وسیله اتباع دولت‌های عضو یا در قلمرو دولت‌های عضو واقع شود، دیوان از صلاحیت قضایی درخصوص چنین جرمی برخوردار نخواهد بود، بلکه تنها دولت‌های عضو که اصلاحیه صلاحیت قضایی دیوان را پذیرفته‌اند، به واسطه آن مقید می‌شوند. بنابراین، وقتی دولت عضو اصلاحیه را نپذیرد

دیوان کیفری بین‌المللی با وقوع چنین جرمی به وسیله اتباع دولت عضو نامبرده یا در خاک آن، رسیدگی نخواهد کرد (Morris, 2004: 483-484). در حال حاضر، قراردادان مظاهر خاص تروریسم در چارچوب مصادیق جرایم ضدبشری مقرر در اساسنامه دیوان، در خدمت چه هدفی است؟

با بررسی نوع جرم، سه هدف بالقوه به ذهن متبادر می‌شود: منصرف کردن مرتکبان از ارتکاب چنین جرایمی، حفاظت مؤثر و مناسب از جامعه و حصول اطمینان از واکنش در قبال این جرایم. بعید است این تشخیص در خدمت مورد اول باشد، زیرا وقایع فوق نشان می‌دهند تعداد زیادی از تروریست‌ها از فدا کردن جان خود به علت انگیزه و هدفشان خرسند و راضی هستند و در بعضی موارد، حتی به دلیل این کار مورد تکریم و پاداش قرار می‌گیرند (saul, 2003: 1087).

آگاهی از اینکه تروریست‌ها در چارچوب صلاحیت دیوان محاکمه می‌شوند، آرامش خاطر بیشتری را به جامعه و شهروندان می‌بخشد، اما این وضعیت روشن کننده حفاظت جامعه در قبال این جرایم جنایتکارانه نیست. به احتمال قوی، مورد سوم هدفی است که امکان تحقق آن می‌رود، یعنی اطمینان از واکنش در قبال این جرایم، اما آیا رویه های حقوقی جاری واکنش می‌تواند بدون کمک از دیگر سازوکارها موثر واقع شوند؟ (Vagts, 2003: 998). از نظر داشتن سازوکار واکنش کمکی در جایی که محاکمه داخلی به هر دلیلی امکان‌پذیر نیست، نه تنها مفید واقع می‌شود، بلکه همان‌طور که ملاحظه شد، محکومیت تروریست به دلیل ارتکاب جرم ضدبشری، به جای اقدام تروریستی عادی، از نظر برداشت عمومی، از ارزش بسیار زیادی برخوردار است.

### نتیجه گیری

با توجه به اهمیت فزاینده‌ای که از ارتکاب جرایم در مورد داشتن صلاحیت جهانی ناشی می‌شود؛ قانون‌گذار در وضع قوانین به منظور عملیاتی ساختن اصل مزبور در مقایسه با پذیرش سایر اصول جایگزین صلاحیت سرزمینی، شرایط کمتری را مقرر داشته است. در اعمال کردن صلاحیت واقعی بررسی شروط ناظر بر تقابل مجرمیت، دادرسی حضوری، شکایت شاکی، موانع تعقیب از قبیل گذشت، منع تعقیب دوگانه یا محاکمه مجدد، تابعیت بزهارکار و قلمرو محل وقوع جرم نادیده گرفته می‌شوند.

از کشورها وجود جنگ میان دولت و گروه‌های تروریستی را قبول ندارند و ارجاع اشخاص غیردولتی به دیوان بین‌المللی کیفری بعنوان عامل ترور و برای انجام بازجویی و محاکمه را نمی‌پذیرند و قبول ندارند. به نظر می‌رسد اگر دولت‌ها قائل به وجود جنگ با تروریسم و گروهک‌های تروریستی و جنایتکار(القاعده، داعش، بوکرام و...) بر طبق نظریه دفاع مشروع باشند، در قالب و چارچوبی ظاهری دفاع مشروع صورت می‌پذیرد اما روح این کالبد با قواعد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه تغذیه می‌شود؛ ضمن آنکه این قالب هیچ‌گونه منافاتی با قواعد عام حقوق بین‌الملل نداشته و نخواهد داشت. در چنین فرضی نیز نمی‌توان مجوز استفاده از ابزار ترور هدفمند را به عنوان ابزاری در این راستا پذیرفت. در انتها، برای روشن شدن این مسأله باید خاطر نشان کرد که «آیا طبقه‌بندی جرم ترور در چارچوب جرایم ضد انسانی،

موجب سازگاری گسترده و مناسب جرایم بین‌المللی مورد توجه واقع خواهد شد؟» برای پاسخ باید به چند نکته توجه کرد:

۱- باید به جمع‌بندی رسید که؛ مساله ترور و تروریسم می‌تواند جرم ضدبشری باشد، بحث و مناظره دائمی در مورد نبود تعریف حقوقی از تروریسم به عنوان جرمی ذاتاً مستقل را تضعیف نمی‌کند، بلکه به این نتیجه می‌رسیم که مظاهر خاص تروریسم می‌توانند بطور بالقوه، جرایم ضدبشری قلمداد شوند.

۲- وجود اقدامات گوناگون تروریستی مدرن با تجهیزات نوین که جامعه بین‌المللی در سال‌های اخیر شاهد آن بوده غیرقابل تصور بوده است (مانند ترور با استفاده از هوش مصنوعی، لیزر یا پهباد). جهان در حال تغییر و تحول است و از این رو، می‌توان تعدد روزافزونی از جرایم را شناسایی کرد که موجب نگرانی جامعه بین‌المللی می‌شوند و صلح و امنیت را تهدید می‌کنند را در گونه‌های جدید اقدامات تروریستی عنوان کرد.

۳- طبقه‌بندی روش‌های تروریستی به عنوان جرایم ضدبشری، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را نقض نمی‌کند. بلکه مادامی که مظاهر تروریسم مورد بحث، شرایط وجود جرم خاص که جرم ضدبشری تلقی می‌شود و عناصر جرایم جنگی، جرایم ضدبشری را افاده کنند، بنابراین، جرم یا قانون جدید ایجاد نمی‌شود، بلکه طبقه‌بندی مظاهر خاص تروریسم به عنوان جرایم ضدبشری، نوعی سازگاری گسترده از برخی اجزای حقوقی احکام کیفری با شرایط اجتماعی جدید است.

با توجه به اظهارات گفته شده، به نظر می‌رسد سازگاری موضوعات مورد بحث جرایم بین‌المللی مورد توجه برای پوشش اشکال و مظاهر خاص تروریسم به عنوان جرایم ضدبشری که می‌توان واکنش کیفری را بر آنها تحمیل کرد، واکنش مناسب و شایسته به چالش‌هایی است که تروریسم در دوره معاصر ایجاد کرده است.

جرم‌انگاری ترور و تروریسم از طریق درج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، می‌تواند تا حدودی از گسترش ترور جلوگیری کند که البته این اقدام هم منوط است به وجود سازوکارهای مؤثر و کارآمد در نظام بین‌الملل و رعایت قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل در واکنش کیفری با همکاری دولت‌ها، در مواجهه با تروریسم است و این التزام می‌تواند منوط باشد به مواردی از جمله:

۱. دیوان تنها تحت شرایط خاصی می‌تواند نسبت به افرادی که مرتکب جنایات بین‌المللی می‌شوند اعمال صلاحیت کند و یکی از مشکلات، اصل نسبی بودن معاهدات است که دولت‌هایی که این عضویت را پذیرفته‌اند، دیوان می‌تواند نسبت به آنها اعمال صلاحیت کند یا آن دولت‌ها اعمال صلاحیت دیوان را از آن خواستار باشند.

۲. هر گاه شورای امنیت تشخیص دهد به موجب فصل هفتم ملل متحد یکی از جرایم بین‌المللی در کشوری اتفاق افتاده، می‌تواند حتی اگر آن کشور به دیوان نپیوسته باشد از دیوان بخواهد که اعمال صلاحیت کند. اما مشکل اصلی جایی است که متهم در محدوده مرزهای سرزمینی خود باشد. بنابراین به نظر می‌رسد ما منع قانونی نداریم بلکه هرگاه کسی تحت عنوان سمت رسمی مرتکب یکی از جنایات علیه بشریت و یا علیه صلح و جنایات جنگی شود، مصونیت شامل حال او نمی‌شود (موافق ماده ۶ و ۷ دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی).



- اسماعیل نسب، حسین، عدالت ترمیمی در پرتو آراء سال ۲۰۰۲ دیوان بین المللی یوگسلاوی، تهران، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۶، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۸.
- اسماعیل نسب، حسین، مجموعه مهمترین اسناد کاربردی حقوق بین الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- آزمایش، سیدعلی، نگرشی نو به مفهوم تروریسم بین المللی، دو فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال ۳، شماره ۴، ۱۳۸۰.
- جلالی، محمود و مقامی، امیر؛ «تعامل حقوق ایران و حقوق بین الملل کیفری در جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های شیمیایی»، نام؛ مفید، سال چهاردهم، شماره ۷۰، ۱۳۸۷.
- حیدرقلی زاده، جعفر و همکاران، دگردیسی مفهومی تروریسم از منظر حقوق بین الملل، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- رضایی پیش رباط، صالح، نگرشی حقوقی به کنوانسیون معاهده بین المللی سرکوب محو بمب گذاری‌های تروریستی، مجله حقوق دادگستری، شماره ۲۷، ۱۳۷۸.
- رنجبریان، امیرحسین، «پویایی حقوق بین الملل و پایایی شکنجه»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۱، ۱۳۸۷.
- سیروس، حسین، تروریسم؛ واشناسی مشکلات تعریفی، پژوهش نامه مطالعات تروریسم ویژه تروریسم و تحولات بین المللی، نشر دفتر بین المللی مبارزه با تروریسم، تهران، ۱۳۸۸.
- طهماسبی، جواد؛ «قلمرو زمانی صلاحیت دیوان بین المللی کیفری»، مجله حقوقی، شماره ۳۷، ۱۳۸۹.
- طیب، علیرضا، تروریسم تاریخ جامعه شناسی، گفتمان، تهران، نشرنی، چاپ اول، ۱۳۸۲
- عبداله‌خانی، علی، تروریسم شناسی، نشر موسسه ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۶.
- فاضل لنکرانی، محمد، تفضیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله، المطبعه العلمیه قم و مرکز فقه الاثمه الاطهار، قم، ۱۳۹۱.
- کوشا، جعفر و نمایان، پیمان، «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین الملل کیفری»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۳، ۱۳۸۷.
- محقق داماد، سیدمصطفی، تقی زاده، شیما، ترور و رابطه آن با محاربه با نگاهی به آراء و نظرات امام خمینی، نامه الهیات، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۸.
- ممتاز، جمشید؛ «تروریسم و تفکیک آن از مبارزات آزادی‌بخش»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی قوه قضائیه، ۱۳۸۰.
- میرزایی، نجف علی، فرهنگ اصطلاحات معاصر، بیجا، دارالاعتصام، قم: ۱۳۷۶.
- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- نمایان، پیمان، «چارچوب جهانی نظام حقوق بین الملل کیفری در مواجهه با تروریسم هسته‌ای»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳، ۱۳۸۹.

- Friedrichs, Jörg (2006); "Defining the International Public Enemy: The Political Struggle behind the Legal Debate on International Terrorism", *Leiden J. Int'l L.*, Vol. 19, No. 69.
- Arnold, Roberta (2004); *The ICC as a New Instrument for Repressing Terrorism*, Transnational Publishers, Inc. Ardsely, New York
- Cassese, Antonio (2003); *International Criminal Law*, Oxford: Oxford University Press. Cassese.
- Convention of the Organization of the Islamic Conference on Combating Terrorism 1999.
- Fred Schreier, On Cyberwarfare, DCAF Horizon 2015 Working Paper No. 7, available on <https://www.dcaf.ch/>, visited 1 jan 2021.
- Global Terrorism Index 2020, Measuring The Impact Of Terrorism, Institute for Economics & Peace pub university of Maryland, 2020
- Goldstone, Richard J. and Simpson, Janine (2003); "Evaluating the Role of the International Criminal Court as a Legal Response to Terrorism", *Harvard Human Rights Journal*, Vol. 16.
- Mitko Bogdanoski, Drage Petreski, Cyber Terrorism– Global Security Threat, *International Scientific Defense, Security and Peace Journal*, 327.88:004.738.5-027.22 Scientific article, available on: <https://core.ac.uk/download/pdf/35330211.pdf>, visited 1 Jan 2021
- Morris, Madeline (2004); "Terrorism and Unilateralism: Criminal Jurisdiction and International Relations", *Cornell Int'l L. J.*, Vol. 36, No. 473.
- Podgers, James (2003); "An Unused Weapon". *ABA Journal*, 19 September, available at <http://www.globalpolicy.org/intljustice/icc/2003/0922iccterror.htm>
- Prosecutor v Jean-Paul Akayesu, Case No.: ICTR-96-4-T, Judgment, T. Ch. 1., 2 September 1998.
- Ratner and Abrams (2001); *Accountability for Human Rights Atrocities in International Law*, Oxford: Oxford University Press, 2nd ed.
- Saul, Ben (2003); "International Terrorism as a European Crime: The Policy Rationale for Criminalization", *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, No. 11.
- Schabas, William A. (2003); "Theoretical and International Framework: Punishment of Non State Actors in Non-international Armed Conflict", *Fordham Int'l L. J.*, Vol. 26, No. 907.
- The use of the Internet for terrorist purposes, In collaboration with the United Nations Counter-Terrorism Implementation Task Force, United Nations Office on Drugs and Crime, Vienna, 2012
- Vagts, Detlev F. (2003); "Which Courts Should Try Persons Accused of Terrorism?" *ETIL* No. 14.
- S/RES/1368 (2001), Threats to international peace and security caused by terrorist acts.
- James Cockayne and Kari Panaccione, *Fighting Modern Slavery, What role for international criminal justice?*, United Nations University, 2015, December 2015.
- A/RES/3034(XXVII), A/PV.2114, 18 Dec. 1972.
- A/RES/31/10, A/31/PV.57, 8 Nov. 1976 without vote.

[A/RES/32/147](#), A/32/PV.105, 16 Dec. 1977, 91-9-28.

[A/RES/34/145](#), A/34/PV.105, 17 Dec. 1979, 118-0-22.

[A/RES/36/109](#), A/36/PV.92, 10 Dec. 1981, without vote.

[A/RES/38/130](#), A/38/PV.101, 19 Dec. 1983

[A/RES/40/61](#), A/40/PV.108, 9 Dec. 1985

[A/RES/42/159](#), A/42/PV.94, 7 Dec. 1987

[A/RES/44/29](#), A/44/PV.72, 4 Dec. 1989

[A/RES/46/51](#), A/46/PV.67, 9 Dec. 1991

A/RES/60/288; 2006.

UN Ad Hoc Committee on Terrorism, Draft International Comprehensive Convention on International Terrorism, in Annexes to the Report of the Ad Hoc Committee Established by General Assembly Resolution 51/210 of 17 December 1996, UN GAOR, 57<sup>th</sup> session, no 37, UN Doc A/57/37; 2002.

The Ad Hoc Committee was established in 1996 by UN General Assembly Resolution 51/210 of 17 December 1996.

U. N. Doc GAOR 59<sup>th</sup> session (A/59/565; 2 December 2004), available at <http://www.un.org/secureworld>.

U.N.Doc. GAOR, 59<sup>th</sup> Sess. (A/59/2005; 21 March 2005), pp. 87.94, available at

Report of the Ad Hoc Committee established by General Assembly resolution 51/210 of 17 December 1996, Ninth Session, 28 March - 1 April 2005; UN. Doc. GAOR 60 Sess. Supp. No. 37 (A/60/37), Annex I.